

## پاداش سخاوتمندی



در پارک زیبای شهر، پرنده‌گان رنگارنگ و سنجاب‌های بازیگوش به طور روزانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند. یکی از سنجاب‌ها به نام نیکی، که همیشه با انرژی و شادابی شناخته می‌شد، محبوبیت زیادی در میان دیگر حیوانات پارک داشت. نیکی به خاطر سخاوت و مهربانی‌اش در میان دوستانش معروف بود.

یک روز، در اوایل پاییز، هوای پارک به تدریج خنک‌تر شد و درختان شروع به ریزش برگ‌های رنگارنگ کردند. در این روز، نیکی در حال جمع‌آوری دانه‌های بلوط برای ذخیره‌سازی در زمستان بود. طول خانه ی نیکی ۱۲ سانتی متر بود. پرنده‌گان نیز مشغول جمع‌آوری دانه‌های کوچک و توت‌ها بودند.

او در پارک می گشت و هر دفعه ۳ دانه بلوط کامل و یک نصفه دانه بلوط با خودش به خانه می برد و ذخیره می کرد.

ناگهان، جوجه تیغی کوچک و تازه وارد به نام پیکسل وارد پارک شد. پیکسل تازه به این منطقه آمده بود و هنوز با محیط جدید آشنا نبود. او با چشمان نگران و گرسنه به اطراف نگاه می کرد و تلاش می کرد تا غذایی پیدا کند، اما موفق نمی شد. نیکو، که نگران حال پیکسل شد، تصمیم گرفت به او کمک کند.

او با دقت به جوجه تیغی نزدیک شد و به آرامی گفت: "سلام، به نظر می رسد که تو گرسنه ای و شاید به کمک نیاز داشته باشی. آیا می توانم کمکی بکنم؟" پیکسل با صدایی کم و شرمندانه پاسخ داد: "بله، من تازه به اینجا آمده ام و نمی دانم چگونه می توانم غذا پیدا کنم. لطفاً کمک کن."

نیکو با لبخند پاسخ داد: "نگران نباش. من می توانم به تو کمک کنم. بیا با هم به سمت درختان برویم. مطمئنم که دوستان پرندهام می توانند به ما کمک کنند." نیکو به سمت گروهی از پرندگان که در نزدیکی درختان نشسته بودند، رفت و از آن ها درخواست کرد که دانه ها و توت هایشان را با پیکسل به اشتراک بگذارند.

پرندگان، که به سخاوت نیکو پی برده بودند، با کمال میل به درخواست او پاسخ دادند و مقداری از دانه ها و توت های خود را به سمت پیکسل پرتاب کردند. پیکسل با دیدن دانه ها و توت های تازه، با خوشحالی شروع به خوردن کرد. او از نیکو و پرندگان به خاطر این محبت بزرگ قدردانی کرد و با لبخند گفت: "تشکر می کنم. کمک شما به من امید و شادی بخشید."

نیکو با تواضع پاسخ داد: "این تنها وظیفه ماست. وقتی همه ما با هم همکاری کنیم و سخاوتمندانه عمل کنیم، می توانیم دنیای بهتری بسازیم."

با این اقدام سخاوتمندانه، پیکسل به یکی از اعضای خوشحال و فعال پارک تبدیل شد و روابط میان ساکنان پارک بهبود یافت. پارک به خاطر سخاوت و همکاری همه، به مکانی آرام و پر از دوستی تبدیل شد.



با توجه به متن، به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. تعداد بلوط هایی را که نیکی هر دفعه به خانه اش می برد را به صورت عدد مخلوط بنویسید و شکل آن را رسم کنید.

---

---

۲. علت محبوبیت نیکی در بین دوستانش چه بود؟

---

---

۳. غذای پرندگان داستان چه بود؟

---

---

۴. از نظر نیکی چگونه می توانیم دنیای بهتری بسازیم؟

---

---

۵. پیکسل نام کدام حیوان بود؟

---

---

۶. چرا پرندگان به درخواست نیکی پاسخ مثبت دادند؟

---

---

۷. اندازه طول خانه نیکی ..... سانتی متر است که این یعنی ..... میلی متر یا ..... تا ۱ / سانتی متر

---

---

۸. مقدار دانه هایی که نیکی به خانه اش می برد را به صورت عدد اعشاری بیان کنید.

---

---

۹. پیکسل بعد از گرفتن غذا از نیکی و پرندگان چه گفت؟

---

---